



روسیه چه

اصراری

دارد

که ما را بزور

در دامان آمریکا

بیندازد (۱)

- ۲ -

هر شری در دنیا پیدا شود بضرر ایران هم تمام میشود و این مثل که خدایا شری  
برسان که خیر ما در او باشد بهیچ نحو در باره او صدق نمی‌کند برای این که ضعیف است

۱- این مقاله مربوط است به زمستان سال ۱۳۲۶ ( به روزنامه کیهان شماره ۱۸ و  
۱۹ و ۲۰ بهمن ۱۳۲۶ مراجعه شود . )

و ملتی میتواند از سر استفاده خیر بکند که قوی باشد .

باین جهت ملت ایران دلش میخواهد که تمام دنیا را امنیت و آرامش و صلح و صفا فراگیرد و ابدأ در گیتی جنگ نشود میادا او هم به آتش آن بسوزد.

ولی اگر باین آرزوی خود نرسید و مثل دو گاونر که وقتی بهمیدگر رسیدند محال است اول مقداری نعره نکشند و گردو خاک بهوا نکنند و بعد شاخ بشاخ هم نگذارند دودولت قوی وقتی در عرصه گیتی با هم مواجه شدند گردو خاک بهوا کردند و شاخ بشاخ هم گذاشتند ملت ایران وقتی میخواهد از این گرو دار بر کنار بماند برای این که یقین دارد او در میان سردو گانر خردو خمیر خواهد شد.

ولی اگر یکی از دو گاو اول او را هدف شاخهای تیزو گردن نیرو مند خود قرار دهد ناچار است که خود را به پشت سر گاو دیگر بکشد شاید در نتیجه تصادم یا تعادل قوای ایشان سالم بماند .

این طبیعی هر جاننداری است . غریزه حفظ حیات است هیچ چاره ندارد . . .

پس روسیه چرا بزور میخواهد ما را در دامن آمریکا بیندازد و هر روز بهانه‌های پیدا و ما را تهدید میکند اودراین کار چه مصلحتی دارد؟

آدم وقتی در خطر است ناچار است برای خود پشتهی پیدا کند و بدان پناهنده شود پیش خود فکرمی کند که من که از این تأمین ندارم چرا آنرا از خود بر نجانم چرا حمایت او را از دست بدهم .

اما اگر کسی تصور کند که ما از ترس مرگ دل بر مرگ مینهیم اشتباه می کند . ملت ایران برای حفظ کیان خود بسیار سخت جان و مبارز است و اگر غیر از این بود از این همه ملل قدیم که با او هم عهد و هم عسر بودند تنها او باقی نمی ماند .

ملت ایران یا ملت قبطه، گلده، آشور، آرامی، بنی اسرائیل، هیت Hite هیاطله خزر، رم یونان هم زمان بوده و با هر يك از آنها داستانها و تاریخها دارد .

امروز هیچ يك از آن ملل وجود ندارد و تنها ملت ایران است که باقی و جاویدان است

برای این که این ملت حاضر نیست بمیرد .

نه تنها الفاظ کاپیتالیسیم و امپریالیسم نمیتوانند روح ملیت را از غرقو اعصاب ما

بیرون بکشند بلکه هزار و سیصد و اندی سال است که ما مسلمانیم يك بهره بزرگ ملت ما معتقد است که اگر مادر او را بزبان عربی عقد نکرده باشند حرام زاده است روز قیامت و شب اول قبر باید با زبان عربی بازخواست پس بدهد . اگر بزبان عربی عبادت نکند خداوند نمی پذیرد . ولی هنوز از ملت عرب بدش می آید، که مملکت او را اشغال نظامی کرده است .

در اوایل عهد اسلام حاضر نشده که در عرب مستهلك شود هزار حقه زد تا کیان ایرانی خود را حفظ کرد و تأویل های مذهبی تراشید که بتواند بسالاران عرب که مملکت او را تسخیر کرده اند فحش بدهد .

این ملت برای اسارت و استهلاک در ملت دیگری حاضر نخواهد شد. میخواهد اسامش را استعمار و استهلاک یا فدراسیون و اتحاد جماهیر بگذارد.

ما اگر خطر را معاینه دیدیم مسلماً از هر وسیله‌ئی بتوانیم برای دفع آن استفاده خواهیم کرد و لوازمی که در این راه نسل فعلی ما فنا شود.

عملی که ملت روس در قبال ملت آلمان کرد خود برای ما بهترین درس غیرت و حمیت و میهن پرستی است برای این که نام ایران و ملت ایران در عرصه گیتی سر بلند و جاویدان بماند ما حاضریم تمام نسل فعلی را فدا کنیم.

بیست میلیون از ملت روس در این جنگ فنا شد و در نتیجه ملت روس جاویدان ماند بگذار پنج شش یا ده میلیون هم از ملت ایران بمیرد تا ملت و وطن ایران زنده و جاوید بماند.

پس هر کس خیال کند که ملت ایران را با تهدید و بهانه جوئی و ادار بتسلیم میسازد اشتباه می‌کند و متأسفانه همسایه نیرومند ما در این مدت اشتباهاتی در کشور ایران کرده و هنوز هم آنها را تکرار میکند چند نفر هوچی و خائن و مزدور را در آغوش میگیرد و بقیه ملت ایران را از دم فحش می‌دهد و آن چند نفر را نیز مادامی در بغل میگیرد که يك قدم پا از حلقه‌ئی که خودش برای ایشان کشیده بیرون نگیرند و هر کدام يك قدری پا پیش و پس گذاشتند یا در يك مسئله اظهار نظر شخصی کردند آنها را با لگد پرت میکند و بیاد تهمت و افترا می‌بندد مثلاً اگر الان یکی از این‌هائی که خود را باو بسته‌اند بگوید تقسیم فلسطین و بخشیدن نصف خانه مسلمین بیهود درست نبوده یا هندوها بدکاری میکنند که مسلمانها را میکشند یا سیاست تجزیه آذربایجان سیاست غلطی بود یا اتحاد جماهیر شوروی که خود را طرفدار فقیر و رنجبر میدانند خوب نیست ملت گدای ایران را لخت کند و طلاهای او را پس ندهد. همین قدر که یکی از این کلمات از دهان او خارج شود فوراً او را از حلقه آزاد بخوانان بیرون میاندازد، و طوق بندگی انگلیس یا آمریکا را بگردن او می‌بندد.

مثل این که اوفقط عمال میخواهد و با ملت ایران کار ندارد و تصور نمیکنم محتاج به توضیح باشد که این سیاست را خرد و تدبیر نمی‌پذیرد و از عدل و انصاف و انسانیت هم دور است. مثلاً آقای کافتارادزه برای تقاضای نفت تشریف آوردند البته ایشان نفت ایران را از ملت ایران میخواستند ولی در را بروی ملت ایران بست و فقط چند نفری را که از میلیونین منافع دولت خود میدانست دعوت کرد و با ایشان تماس گرفت، ما که در اصل دلمان میخواهد يك سیاست قوی در دنیا پشتیبان طبقه رنجبر و زحمت کش باشد از این وضع متأسف می‌شویم.

دولت اتحاد جماهیر شوروی در نتیجه سیاستی که از اوایل انقلاب خود تا مدتی پیش گرفت محبوب‌ومایه امید تمام آزاد بخوانان جهان گردید ولی امروز بدبختانه سیاست او تغییر کرده است.

دولتی که در ۱۹۲۱ تمام امتیازاتی را که سلفش بزور گرفته بود بدلیل این که بجزیر و عنف بوده باطیب خاطر بخشید امروز می خواهد امتیازات بزرگتری را باجبر و عنف بیشتری بگیرد.

و این یادداشتی را که اکنون داده کاملاً شبیه بالتیماتومی است که برای اخراج مستر شوستر داد و با این که انگلیسها ظاهراً اظهار موافقتی با این یادداشت نکرده اند معذک من که همیشه قضایا را با تطبیق بسوابق مورد مطالعه و قضاوت قرار میدهم برایم مشکل است باور کنم که ایشان استحضار یا موافقت با این یادداشت نداشته اند.

برای توضیح بیشتری لازم است عرض کنم که روس و انگلیس ایران را منطقه نفوذ خود می دانند و با این که بزرگترین خصم و رقیب یکدیگر هستند معذک همیشه برای این که سیاست ثالثی وارد ایران نشود باهم همکاری کرده اند.

ایرانیها نیز چون از این سیاست در فشار بوده اند همیشه دنبال سیاست ثالثی می گشته اند که در این میان وارد کنند شاید تعادلی حاصل شود.

یکروز دنبال فرانسه رفتند یکروز نمایندگان مجلس ایران بقصر آلمان نامه نوشتند که در قضیه وارد شود ولی در هیچ کدام موفق نشدند.

تا آمریکا در عرصه دینی پیدا شد و چشم ایرانیها بر وی افتاد رفتند و مستر شوستر را آوردند و شوستر هم دست بکارهایی زد روس و انگلیس باهم ساختند و شوستر را بیرون کردند ولی همان طوری که این دفعه روسیه یادداشت داده است و در شهریور ۱۳۲۰ نیز ازل طیارات روسیه شهرهای ایران را زیر باران بمب گرفت آن دفعه هم روسیه التیماتوم داد تا مقصود انگلیس بنام روسیه انجام گرفت.

هنگامی که کمپانیهای آمریکائی تقاضای نفت شمال می کردند نیز انگلیس مخالفت کرد و نگذاشت این کار صورت بگیرد و بعد از این که بیکی از آن کمپانیها واگذار شدند بدون جهت بدخواه خود از آن صرف نظر نکرد داستان قتلایمبری قونسول آمریکانیز خود معلوم است دکتر میلسپو را در آن بار با این که خیلی خوب کار کرد علتی داشت که بیرون کردند.

بعد از این جنگ قرار بود که کالاهای ارتش آمریکا را بقرض و برای مدت درازی بخرند و آمریکا نیز بطوع و رغبت حاضر بود بدهد ولی از قراریکه شپاطین می گویند دولت آنوقت ایران قیمتش را نقد و نقدش راسره کرد تا ایران برای مدتی با آمریکا طرف حساب نباشد.

این خرید اسلحه نیز باقرض صورت نخواهد گرفت یا پولش را نقد خواهند پرداخت یا از بین خواهد رفت. و این یادداشت نیز بهمان منظور رسیده است و بنظر من تا حدی فکر انگلیسی در آن کار کرده است، روس و انگلیس دشمن اند. ولی برای جلو گیری ورود از سیاست ثالثی با ایران همیشه دوست می شوند این غوغای نان تشدید تعصب اسلامی گرانی و کمپایی خوار بار در بعضی نقاط بلکه در تمام جهات و غارت انبار فلان شهرستان یادگان فلان غله فروش نیز بقفیده من مربوط بهمین قضیه و همین یادداشت است. و از طرز عمل پیداست

که فکری غیر از فکر روسی در آن کار می کند. هر کس زدیار آشنائی است - داند که متاع ما کجائی است. این طرز یادداشت و استناد بماده ۶ قرارداد ۱۹۲۱ را اول انگلیسها بروسها یاد دادند روسها خودشان می دانستند که چنین حقی را ندارند قرارداد اصلاحین مفهومی ندارد از فلسفه آن ماده و نامه‌ئی که با آن توام است خیرداشتند ولی انگلیسها چون می خواستند از روی ایران رد شوند و در آن موقع مصلحتشان با روسیه یکی بود مرتب رویتر می گفت که چون آلمانها در ایران نفوذ پیدا کرده اند روسیه حق دارد بموجب قرارداد ۱۹۲۱ بایران لشکر بکشد .

در آنروز اخبار در ایران آهراذ نبود وخبرگزاری پارس آنها را می گرفت وخوب و بد می کرد هرچه از این بابت بود منتشر نمی ساخت وضبط می کرد . بروید در آرشیو سال ۱۳۲۰ خبرگزاری پارس بگردید خواهید دید که در حدود ۲۵ روز قبل از جمله منتقین ونفوه روسیه باین کلمه انگلیسها هرروز گفتند که روسیه حق دارد باستناد قرارداد ۱۹۲۱ قشون وارد ایران سازد من آنها را با چشم خود دیده ام اگر ضبط خبرگزاری پارس مرتب باشد حتماً هنوز آنها در آنجا هست.

الآن بنظر من همان است هر وقت سیاست ثالثی خواست وارد ایران شود و میهن مارا از حالت توپ قوتیال و لگد خوردن پیاپی از دو حریف نجات دهد یادداشت داده می شود، نان نایاب می شود اسلام از یکطرف و آزادی از طرف دیگر در خطر می افتد و تیر تهمت و افتراء بطرف عناصری که دست و پا می کنند کشتی ملک را از ورطه نجات دهند پرتاب می شود. فعالسختان خود را کوتاه می کنم . و در خاتمه دو چیز را لازم می دانم یاد آور شوم یکی این که قراردادهائی را که قبلا بدان استناد کرده ام از کتاب از شهریور ۱۳۲۰ تا واقعه آذربایجان و زنجان آقای کوهی کرمانی گرفته ام و شایسته می دانم بدین مناسبت از زحمات ایشان در تألیف این کتاب تقدیر کنم و دیگر از همکار محترم خود اطلاعات تشکر کنم که آن نامه را که ماده ۶ قرارداد ۱۹۲۱ را تفسیر می کند پیدا و منتشر کرده است.

من می دانستم که چنین نامه هست و در مجلس نیز پشت تریبون بدان اشاره کردم ولی هرچه این طرف و آنطرف گشتم پیدا نکردم و چون دیدم نه دولت و نه مطبوعات نه وزارت خارجه هیچ يك نامی از آن نمیبیرند و نه در مراسلاتی که بین قوام و اتحاد جماهیر شوروی ردوبدل شده اشاره بدان رفته است تصور میکردم که چیز مهمی نیست وحقی یکروز از یکی از رؤسای وزارت امور خارجه پرسیدم و او گفت من تمام اسناد وقراردادها را دیده ام ولی چنین نامه‌ئی بیخاطر ندارم.

شش سال است باستناد این ماده توی سرما میزنند مملکت مارا اشغال کردند پدر ما را در آوردند يك وزارت خارجه داریم با اعضائی که تمام فیل های دنیا فیس و افاده یکی از آنها را نمیتوانند بکشند یکی دست نکرد کشوی آرشیو را بکشد و ببیند حقیقت این قراردادو این ماده چیست.

واقماً مردم حق دارند ما را تحقیر کنند و بشمار آدم نیاورند برای این که آدم که این طور نیست .